

نقش رسیدگی قضایی در جریان بحران بنگاه اقتصادی در حقوق ایران و انگلیس

(مقاله علمی-پژوهشی)

زهرا محمودی *

مهدی منتظر **

حمیدرضا آدابی ***

عیسی خیری ****

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۶

چکیده

مقاله حاضر به دنبال کشف نقش رسیدگی‌های قضایی در جریان بحران‌های مالی بنگاه‌های اقتصادی با تأثیرات مختلف است؛ لذا موضوع در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان به‌منظور شناسایی و تحلیل مفهوم بحران‌های مالی بنگاه‌های اقتصادی در قالب «بحران پیش از توقف»، «بحران پس از تاریخ توقف» و نهایتاً «بنگاه‌های اقتصادی احیاناً پذیر» بررسی شده است.

در نظام حقوقی انگلستان، وجود راهکارهای متعدد و متنوع، امکان رسیدگی قضایی متناسبی را در جریان بحران‌های مالی بنگاه‌ها فراهم ساخته است؛ در حالی که در حقوق ایران فقدان این تناسب، بارز است و ضرورت تقنین در این زمینه، التفات قانون‌گذار را می‌طلبد.

کلید واژگان

بحران بنگاه اقتصادی، رسیدگی قضایی، قرارداد ارفاقی، طرح تجدید ساختار، استمهال، آیین اداره فعالیت، ممنوعیت درج شرط فسخ.

* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.
mahmoodi@azad.ac.ir

** استادیار حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دماوند، ایران (نویسنده مسئول)
Montazer@damavandiau.ac.ir

*** استادیار حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران.
hr.adabi@yahoo.com

**** دانشیار حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.
kheiri127@gmail.com

مقدمه

با عنایت به این امر که مجموعه عوامل مؤثر بر جوامع متفاوت بشری، بر فضای حاکم بر تجارت تأثیرگذار است، در خصوص ورشکستگی نیز نمی‌توان تنها یک عامل را سبب بروز آن دانست. به همین جهت، ورشکستگی پدیده پیچیده‌ای است^۱ و می‌توان از زوایای متفاوت آن را بررسی و به آن توجه کرد. این پدیده در شرایط و زمان‌های گوناگون، انعکاس‌های متفاوتی در جهان داشته است، اما می‌توان اذعان داشت که شرایط اقتصادی، عامل مهمی در ساختار قانونی و آیین‌های پیشنهادی موجود در جهان است. همچنین، سوءمدیریت که ناشی از فرهنگ ناهمگون، استراتژی نامناسب و نامعطف یا اتخاذ تصمیمات و مشارکت‌های ناصواب است، عامل نقش‌آفرین دیگری است.^۲ لزوم وفای به عهد، به‌مثابه بخشی از وظایف مدیران و به‌طور کلی تمام افراد در طول تاریخ مورد توجه و تأیید اخلاق و ادیان بوده است. در دین اسلام و بر اساس صراحت قرآن کریم، وفای به عهد، جزء مهم‌ترین فضایل اخلاقی است. شاید لکه ننگ ورشکستگی نیز که در گذشته شاهد آن بوده‌ایم، ناشی از ارتباط قانون با ادیان بوده است، زیرا برخی مفاهیم اخلاقی موجود در ادیان یهودیت، مسیحیت و اسلام، بیانگر این امر است که پیروان خود را به ادای دیون ملزم می‌کنند و بعضی ادیان حتی ورشکستگی را نوعی گناه می‌دانند؛ حتی در آیین هندو نیز ایفا نکردن تعهدات، نوعی گناه محسوب می‌شود.

به هر حال، صرف نظر از علل ایجاد این پدیده، برخوردهای متفاوتی با ورشکستگی و ورشکسته صورت می‌پذیرد که گاهی مناسب و گاه نامناسب است. مطالعه حقوق تطبیقی می‌تواند دیدگاه جامعی را برای دستیابی به راهکارهای متناسب با نوع و شدت ورشکستگی در دسترس قرار دهد و راهگشای جوامع تجاری باشد. به‌طور کلی، چنین مطالعاتی دو هدف را دنبال می‌کند. اول، جمع‌آوری و ذخیره دانش حقوقی بشری به‌منزله یک ارزش ذاتی و دوم، دستیابی به بصیرت جامع جهت اصلاح قوانین موجود می‌باشد.^۳ به‌طور خاص، در امر ورشکستگی و تناسب

1. Altman J, "A Test Case in International Bankruptcy Protocols: The Lehman Brothers Insolvency", San Diego Int Law J 12: 436-495, (2011), P.463.

2. Alan N Rechtschaffen, "Capital Markets, Derivatives & the Law: Evolution after Crisis", Oxford University Press, (2014), PP.26-30.

3. Vogenauer Stefan, "Sources of Law & Legal Method in Comparative Law", in Mathias Reimann & Reinhard Zimmermann (eds), The Oxford Handbook of Comparative Law, (OUP 2006).

مداخلات با درجهٔ توقف ورشکسته، چنین بصیرتی سبب راهیابی به شیوه‌های متنوع و متناسب تجدید ساختار می‌شود.^۱

در خصوص مبانی نظری در حقوق ورشکستگی نیز با دو دیدگاه کلی «عدالت اجتماعی» و «اقتصادی» مواجه هستیم که دیدگاه اول بیشتر «بدهکارمحور» و نوع دوم «طلبکارمحور» است. در حقوق انگلیس که در مقاله حاضر به‌منزلهٔ اساس تطبیق برگزیده شده، تا همین اواخر، «دیدگاه اقتصادی» غالب بود. فلسفهٔ حقوق ورشکستگی در انگلستان نیز با توجه به موارد عملی شکل گرفته بود؛ یعنی محاکم، حقوق ورشکستگی را همان‌گونه که بود، اجرا می‌کردند و مطابق اصول و ضروریات تجارت به کار می‌بردند.^۲ طرفداران دیدگاه اقتصادی بیشتر روی دارایی بدهکار تمرکز دارند. به عقیدهٔ اینان، هدف اصلی فرایند ورشکستگی، افزایش ارزش دارایی‌ها به‌منظور تأمین منافع طلبکاران است و همهٔ وجوه ورشکستگی در این راستا قرار می‌گیرد. پرفسور «پیر جکسون» و «اسکات» از طرفداران این نظریه هستند. این اشخاص معتقدند که منافع غیر طلبکاران را باید خارج از حقوق ورشکستگی (فرضاً در حقوق کار یا حمایت از مصرف‌کننده) جست‌وجو کرد.^۳

پرفسور «فراست» می‌گوید که اهداف توزیع محدود نباید در حقوق ورشکستگی تعقیب شود و باید آن‌ها را به سیستم‌ها و رویه‌های دیگر واگذار کرد، زیرا اساساً سیستم ورشکستگی از دستیابی به این هدف ناتوان است. این افراد، اختیارات وسیعی برای قاضی قائل نیستند و وی را تنها داور می‌دانند و معتقدند طرفین باید خود سرنوشت خویش را انتخاب کنند.^۴ این دیدگاه حتی بازسازی و نجات شرکت را با هدف پرداخت حداکثری به طلبکاران می‌پذیرد و چنانچه فرایند بازسازی محقق نشود، جمع‌آوری و توزیع عادلانه بین طلبکاران می‌تواند تنها هدف اصلی سیستم ورشکستگی در این نظریه باشد.^۵ مهم‌ترین عنصر در ادارهٔ امور ورشکسته، گرد هم آوردن دارایی بدهکار جهت افزایش دارایی ورشکستگی است. در این خصوص، قوانین فراوانی

1. John C. Reitz, "How to do Comparative Law", (1998), 46 AJCL 617-626.

۲. طجربلو، رضا، «بررسی مبانی نظری حقوق ورشکستگی در سیستم حقوقی آمریکا و انگلستان»، فصلنامهٔ حقوق مجلهٔ دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی، دورهٔ چهل، شمارهٔ دو، تابستان ۱۳۸۹، صص ۲۴۰-۲۳۹.

۳. همان، ص ۲۴۸.

۴. همان، صص ۲۵۰-۲۴۷.

۵. همان، صص ۲۵۵-۲۵۳.

وجود دارد که از انتقال دارایی‌ها در دورانی پیش از دعوای ورشکستگی جلوگیری می‌کند.^۱ این مقررات در راستای اصول حاکم بر ورشکستگی تدوین شده است.^۲ اولین و مهم‌ترین اصل، «رفتار برابر با طلبکاران» است.^۳ به‌گونه‌ای که تقسیم عادلانه اموال بدهکار موضوعی برای تمام قوانین و مقررات است.^۴ دومین اصل، پیشگیری از تجزیه اموال ورشکستگی است که معمولاً با نقل و انتقال پیش از ورشکستگی رخ می‌دهد.^۵ در مقام عمل گاهی ارتباط بین بنگاه‌های مختلف سبب تأثیرگذاری بحران‌های مالی آن‌ها بر هم می‌شود^۶ و قانون‌گذاران باید به این تأثیر آگاه باشند و متناسب با آن قانون‌گذاری کنند.^۷

لازم به توضیح است که تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی در دهه‌های اخیر و همچنین حضور در اتحادیه اروپا و نیز تعامل با قانون متحدالشکل تجارت آمریکا و توجه به راهنمای - قانون‌گذاری «آنسیترال»^۸ جمیعاً بر دیدگاه نظری حاکم بر حقوق ورشکستگی در انگلستان تأثیرگذار بوده و آن را به‌سوی دیدگاه «عدالت اجتماعی» سوق داده است. نتیجه این تغییر نگرش را به‌وضوح می‌توان در رایزنی^۹ سال ۲۰۱۶ و اصلاحیه قانون شرکت‌های سال ۲۰۱۸ و سرانجام قانون مدیریت ورشکستگی سال ۲۰۲۰ در نظام حقوقی انگلستان مشاهده کرد.^{۱۰}

موضوع این مقاله بررسی تطبیقی راهکارهای موجود در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان است تا از این رهگذر بتوان ضمن تقسیم‌بندی درجات توقف بنگاه‌ها، به نقش مناسب -

1. MC Cormack G, "Something old, Something New: Recasting the European Insolvency Regulation", *Mod Law Rev* 79: 121-146, (2016), P. 137.

2. Keay A, "In Pursuit of the Rationale Behind the Avoidance of Pre-Liquidation Transactions", *Sydn Law Rev* 18: 56, (1996).

3. Moustarina Elina, "The Equity of Creditors in International Bankruptcy Law" [in Greek], Ant, N, Sakkoulas Publishers, Athens/ Komotini, (1992), PP. 299-322.

4. Warren E, "Bankruptcy Policymaking in Imperfect World", *Mich Law Rev* 92: 336-387, (1993), P. 353.

5. Kay A, "The Harmonization of the Avoidance Rules in European Union Insolvencies", *Int Comp Law Q* 66: 79-105, (2017), P. 82.

6. Wheeler David, Barry Colbert & R. Edward Freeman, "Focusing on Value: Reconciling Corporate Social Responsibility, Sustain Ability & a Stakeholder Approach in Network World", (2003), *Jurnal of General Management* 28 (3) 1-28, P. 3.

7. Petter Dahlim et al, "Netquakes-Describing Effects of Ending Business Relationship on Business Networks", (2005), Working Paper to be Presented at IMP in Rotterdam, P. 5.

8. Uncitral, "United Nation Commission on International Trade Law"

کمیسیون یا حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد است که در سال ۱۹۶۶ جهت بهبود و توسعه ساختارهای حقوقی تجارت بین‌الملل تأسیس شده است.

9. Consultation.

10. Shalchi Ali, "Corporate Insolvency & Governance Act (2020)", House of Commons Library, Number 8971, [CommonsLibrary. Parliament. UK.], P. 4.

مداخله‌های قضایی در هر میزان از توقف دست یافت. از آنجا که در حقوق ورشکستگی موجود در کشورمان هنوز مجالی جهت توجه به شدت توقف بنگاه‌ها وجود نداشته است، برخورد قضایی متناسبی نیز با این موضوع به چشم نمی‌خورد و مقررات موجود نیز به‌طور پراکنده و اکثراً ناموزون وجود دارند. لذا بررسی حقوق ورشکستگی به‌صورت تطبیقی، فرصتی جهت بازنگری در دیدگاه‌های سنتی است و امکان تفکری عمیق‌تر را در امر مداخلات قضایی متناسب فراهم می‌آورد.

با عنایت به این امر که تاکنون توجهی به تقسیم‌بندی شدت توقف بنگاه‌ها دیده نشده و این دیدگاه بدیعی در مواجهه با موضوع ورشکستگی است، سابقه پژوهش مستقیمی در این زمینه وجود نداشته که بتواند راهگشای تحقیق حاضر باشد. این تحقیق با سؤالات اساسی ذیل آغاز شده که اولاً چگونه می‌توان معیاری جهت تقسیم‌بندی توقف بنگاه‌ها یافت و ثانیاً در صورت کشف چنین معیاری، مداخله قضایی متناسب با هر درجه از توقف چیست؟

بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که با مد نظر قرار دادن شدت توقف بنگاه‌ها به‌مثابه معیار، می‌توان درجه توقف را به سه درجه «بحران پیش از توقف» یا «درجه سه» و «بحران پس از تاریخ توقف» یا «درجه دو» و نهایتاً «بنگاه اقتصادی احیاناً پذیر» یا «درجه یک» تقسیم کرد و راهکارهای موجود در دو نظام حقوقی را برای هر درجه مورد بازبایی قرار داد.

در تحقیق حاضر، فرضیه اول این است که با معیار «شدت توقف» می‌توان ورشکستگی را درجه‌بندی کرد و فرضیه دوم اینکه پس از چنین تقسیم‌بندی، امکان مداخله قضایی متناسب که نتیجه بهینه اقتصادی و اجتماعی را فراهم سازد، مهیا می‌شود.

در اجرای امر مذکور، مقاله حاضر پس از بیان پیشینه در سه بخش متناسب با درجات توقف به طرح موضوع پرداخته است:

پیشینه

به‌طور کلی، در انگلیس و ولز، قوانین و رویه‌های عملی که درجات مختلف ورشکستگی را مدیریت می‌کنند، از چندین منبع ناشی می‌شوند:

– قوانین پایه که پارلمان تصویب کرده است.

- مقررات ورشکستگی که به موجب مجوز مواد ۴۱۱-۴۱۲ قانون ورشکستگی سال ۱۹۸۶^۱ از سوی ریاست مجلس اعیان پیشنهاد شده و پس از مشورت با کمیسیون - مقررات ورشکستگی منصوب طبق ماده ۴۱۳ به تصویب رسیده است.^۲
 - حقوق عرفی که قضات با بررسی و رسیدگی به پرونده‌های مختلف، به صورت مقررات تکمیلی عملی در ورشکستگی احتمالی یا درجه سه ارائه داده‌اند و جنبه پیشگیری دارد.
 - راهنما یا بیانیه‌هایی که اصول لازم، اما خارج از چارچوب قوانین موضوعه را جهت به- کارگیری متصدیان امر ورشکستگی به طور مستمر ارائه می‌دهند.^۳
 - قوانین آیین دادرسی و بخش‌نامه‌های صادره از وزارت دادگستری که مجموعاً روند دادرسی در دادگاه‌های انگلیس و ولز را اداره می‌کنند.^۴
- در بیان پیشینه قانون‌گذاری در امر ورشکستگی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:
- اولین قانون‌گذاری مدون در سال‌های ۱۵۴۲ یا ۱۵۴۳ تحت عنوان «یک قانون علیه - اشخاصی که ورشکسته می‌شوند»^۵ صورت پذیرفت. این قانون حاوی عناصر حقوق رم بوده و مجازات سنگینی را بر اشخاصی که از پرداخت بدهی‌هایشان اجتناب می‌کردند، تحمیل می‌کرد.^۶ در این قانون اصول و قواعد «تصرف و فروش و تقسیم اموال بدهکار» مدون شد^۷، ولی با توجه به اینکه رویه قضایی مکتوبی از آن زمان وجود

1. Insolvency Act 1986.

۲. البته این موارد با اجرای قانون ورشکستگی ۲۰۱۶ از ششم آوریل ۲۰۱۷ منسوخ شد.

۳. این راهنما یا بیانیه‌ها شامل ۱- منشور اخلاقی ورشکستگی که متضمن اصولی الزام‌آور برای تمام متصدیان ورشکستگی است و ۲- بیانیه و روند عملی ورشکستگی [The Statement of Insolvency Practice (SIP) که بر اساس توافق معموله بین مقامات نظارتی و کمیته ورشکستگی [Joint Insolvency Committee (JIC) صادر شده و قواعد و استانداردهای اساسی را که متصدیان ورشکستگی ملزم به رعایت آن هستند، مشخص می‌کند. SIP یک منبع زنده به نظر می‌رسد و منضمماً بر اساس ضرورت‌ها و نیازها تغییر می‌کند. در ژانویه ۲۰۱۶ گزارشی ارائه شد که بیان می‌داشت JIC مشغول نوسازی SIP است. همان‌گونه که منشور - اخلاقی را تکمیل کرد و بیانیه اصول و روند عملی ورشکستگی & [Statement of Insolvency Principles & Practices (SIP) را منتشر ساخت.

4. European Law Institute, "Rescue of Business in Insolvency Law", (ELI), ISBN: 978-3-9503458-9-6, (2017).

5. An Act Against Such Person as do make Bankrupts.

6. Moustaria Elina, "International Insolvency Law", Springer Nature Switzerland AG, (2019). P.3.

7. Statute 1542 (34 & 35 Hen. 8, C.4) See also Ian Fletcher, "The Law of Insolvency", 4th edition, (2009), P.8, <http://Scholarship.Law.Uppenn.edu/cgi/viewcontent.Cgi?article=7675&Content=Penn-Law-Review,P.14>.

- ندارد، نمی‌توان مزایای عملی این قانون را ارزیابی کرد.^۱ در این قانون، بدهکاران، - مجرم قلمداد می‌شدند و بابت شوربختی که بدان دچار شده بودند، مجازات هم می‌شدند و لکه ننگ ورشکستگی را بر پیشانی حمل می‌کردند. در دوره ویکتوریایی این آشفتگی وسیع خصوصاً در خصوص بدهکاران زندانی دیده می‌شد و جالب اینجاست که تا قرن نوزدهم، ایرلند سیستم ورشکستگی مناسب‌تری از انگلیس داشت.^۲
- در سال ۱۵۷۱ قانون «نقل و انتقال متقلبانه»^۳ به تصویب رسید. هدف این قانون پیشگیری از نقل و انتقال متقلبانه اموال ورشکستگان بود.^۴ بر اساس این قانون که بیشتر مربوط به ورشکستگی اشخاص حقیقی بود، اولاً همه اشخاص حق طرح - ورشکستگی را نداشتند و ثانیاً تجار بدهکار نیز نمی‌توانستند داوطلبانه دعوی - ورشکستگی طرح کنند. مضافاً اینکه داغ ننگ همواره بر پیشانی بدهکار می‌ماند و حتی بدهکاران فاقد سوءنیت نیز امکان نجات و شروع زندگی تجاری جدید را نداشتند.^۵
- قانون ورشکستگی سال ۱۶۰۳ مواردی را جهت بررسی عمومی بدهکاران و شرایط - اقتصادی‌شان پیش‌بینی کرد. قانون ورشکستگی سال ۱۶۲۳ نیز اعلام کرد چنانچه فرد بدهکاری اموالش را از طلبکاران مخفی کند، یک گوش وی را در مکان عمومی با هدف اصلی ایجاد ارعاب، قطع کند.^۶ در سال ۱۷۰۵ نیز مقررات مربوط به تصفیه تصویب شد، اما نیازمند اصلاحات فراوان بود تا تمایزی در رفتار قانونی بین تجار - بدشانس، اما با حسن نیت با تجار متقلب ایجاد کند.^۷ عمده تحولات حقوق ورشکستگی انگلیس از قرن نوزدهم با تصویب قانون ورشکستگی اشخاص در سال - ۱۸۸۳ آغاز شد. در قرن بیستم در سال ۱۹۱۴ قانون ورشکستگی در انگلیس تصویب

1. Levinthal LE, "The Early History of English Bankruptcy", Univ Pa Law, Rev 67:1-20, (1919), P.15.

2. Rajak H, "The Culture of Bankruptcy", In: Omar P(ed) International Insolvency Law. Themes & Perspective, Routledge, London & New York, PP. 3-25, (2008), P.12.

3. The Fraudulent Conveyances Act, 1571, (13 Elize, 1, V. 5).

4. The Bankruptcy Act, 1571, (13 Elize, 1, C. 7).

5. See Ian F. Fletcher, Supra note 188, P. 9.

6. Moustaria Elina, Op...cit, P.3.

7. Act of 1705 (4 & 5 Anne, C 4) S.8, The Law of History & Culture P.37. <http://LawdigitalCommons.bc/cgi/viewcontent.Cgi?refer=&httpsredir=1&article=1076&Context=iclr>, P.18. <http://Scholarship.Law.Uppenn.edu/Cgi/viewcontent.Cgi?article=7675&Context=Penn-review>.

شد تا بر اساس آن، دعاوی ورشکستگی در سراسر امپراتوری بریتانیای کبیر مدیریت شود. جالب اینجاست که حتی پس از فروپاشی امپراتوری بریتانیای کبیر در جنگ - جهانی دوم نیز همچنان این قواعد حفظ شد و به قانون ورشکستگی ۱۹۸۶ انتقال یافت.^۱ متعاقباً در خصوص ورشکستگی اشخاص حقوقی نیز قانون سال ۱۹۴۸ و اصلاحیه آن به تاریخ ۱۹۶۷ به تصویب رسید.

اولین قانون‌گذاری در جهت نجات و احیای بنگاه‌ها مربوط به قانون ورشکستگی سال ۱۹۸۶ است. «توافق‌نامه اختیاری شرکت» و «قرارداد ارفاقی» با این قانون وارد حقوق انگلیس شد.^۲ همچنین به جهت حصول اطمینان از احیای شرکت‌های متوقف احتمالی و قطعی، «استمهال» پیش‌بینی شد.^۳ بر اساس این قانون، مدیر ورشکستگی باید با سرعت و دقت وظایف مربوط به احیای شرکت را انجام دهد^۴ و چنانچه احیای شرکت ممکن باشد و برای طلبکاران نتیجه مناسبی به همراه بیاورد، باید در اولویت قرار گیرد.^۵ در طول مدت احیاء، بسیار مهم است که هویت شرکت حفظ شود و این در مرحله عمل دشوار است.^۶ مدیر ورشکستگی، مدیریت طرح‌ها و کنترل روزانه آن‌ها را به عهده می‌گیرد و مدیران شرکت موظف به همکاری با نام‌برده هستند.^۷ در سال ۲۰۰۳ اصلاحیه این قانون، جهت مدیریت بهینه احیای شرکت‌ها تصویب شد. در ماه مه سال ۲۰۱۶ دفتر دولتی خدمات ورشکستگی بریتانیا، در خصوص اصلاحات لازم در قانون ورشکستگی شرکت‌ها اقدام به رایزنی کرد. در این رایزنی چهار پیشنهاد ارائه شد:

۱- برای شرکت‌هایی که در روند تجدید ساختار هستند، «استمهال» انتخابی جدید پیشنهاد می‌شود.

1. Hoffman L, "Cross-Border Insolvency: A British Perspective", Fordham Law Rev 64. 2507-2520, (1995-1996), PP.2510-2512.
 2. Weil, Gotshal Manges, "Comparative Guide to Restructuring Procedures", PP. 11-12.
 3. Shalchi Ali, Op...cit, P.4.
 4. Insolvency Act 1986, B1, para 4.
 5. Insolvency Act 1986, B1Administration Art. 3 (3) b.
 6. Alice Belcher, "Corporate Rescue", Sweet & Maxwell, (1997), P.23.
 7. Daoning Zhang, "Insolvency Law & Multinational Groups, Theories, Solution & Recommendation for Business Failure", Routledge Research in Corporate Law.

۲- توسعه مکانیسم «تحمیل» به منظور الزام طلبکاران مخالف به پذیرش طرح تجدید ساختار و همچنین الزام طلبکاران موثق به پذیرش طرحی که پس از کسب اکثریت قانونی به تأیید دادگاه رسیده است.

۳- توسعه دسترسی به امکانات مالی جهت تجدید ساختار یا حتی روند ورشکستگی؛

۴- گسترش دامنه قراردادهای ضروری با محدود کردن «شروط فسخ در صورت ورشکستگی» مندرج در قراردادهای تأمین مواد و خدمات شرکتها.^۱

بر اساس این رایزنی، اصلاحیه‌هایی طی سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸ منتشر شد، ولی بزرگ‌ترین اصلاح در تاریخ حقوق ورشکستگی انگلیس مربوط به سال ۲۰۲۰ است. این قانون متضمن اصلاحات فراوانی در حوزه قانون شرکتها و همچنین قانون ورشکستگی است. با توجه به فشارهای اقتصادی ناشی از پاندمی کرونا و در راستای مدیریت بهتر بحران، به‌خوبی می‌توان تغییر دیدگاه «طلبکارمحور» انگلیسی را به فرهنگ «بدهکارمحور» مشاهده کرد.^۲ این قانون در ۲۵ ژوئن ۲۰۲۰ تأیید سلطنتی را اخذ کرد و اکثر مفاد آن از ۲۶ ژوئن به اجرا درآمده، ولی بعضی از مقررات آن عطف به‌ماسبق شده و از اول مارس ۲۰۲۰ مجری شده است. قرار بود که در ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۰ منقضی شود، اما تاکنون چند بار تمدید شده است. این قانون دو هدف را دنبال می‌کند:

۱- تدابیر دائمی جدیدی برای رژیم ورشکستگی تدوین کند.

۲- تدابیر موقتی متناسب با دوران پاندمی کرونا جهت مدیریت شرکتها و مقابله با ورشکستگی وضع شود.^۳

در این قانون، «استمهال»، «طرح تجدید ساختار» و «تعلیق شروط فسخ قراردادی»، با «توافق‌نامه اختیاری شرکت» و «قرارداد ارفاقی» همراهی می‌کنند تا شیوه تعامل طلبکاران را هنگام بروز بحران مالی بدهکار تغییر دهند و بهترین شرایط را برای نجات و احیای شرکتها فراهم سازند. «بسته‌های» معرفی شده در این قانون، بر اساس فصل یازده قانون ورشکستگی آمریکا بنا شده است.^۴

1. Pratt's, *Jurnal of Bankruptcy Law*, LexisNexis, A. S. Pratt, (February/ March 2017), P. 91.

2. Shearman & Sterling, "UK Corporate Insolvency & Governance Act", 9 July (2020), PP. 2-5.

3. Shalchi Ali, *Ibid*.

4. *Ibid*.

۱. بحران پیش از توقف

زمانی که بنگاه اقتصادی با بحران مالی مواجه شود، اما هنوز به نقطه توقف نرسیده باشد، دارای توقف احتمالی یا درجه سه است. در حقوق انگلستان دو روش ذیل برای چنین بحران‌هایی پیشنهاد می‌شود:

۱.۱. قرارداد ارفاقی

قرارداد ارفاقی به منزله آیین ویژه انگلستان، به شرکت‌های بحران‌زده اجازه می‌دهد تا بدون ورود به روند رسیدگی رسمی ورشکستگی، مشکلات مالی خود را با بانک و طلبکاران مرتفع سازند.^۱ در نتیجه انعقاد این قرارداد اغلب طلبکاران مخالف، ملزم به رعایت قواعد بازسازی می‌شوند.^۲ نوع پیشگیرانه آن در توقف درجه سه بسیار کاربردی است. اولین قرارداد ارفاقی در سال ۱۸۶۰ در پارلمان انگلیس تصویب شد که به شرکت‌ها، آزادی قانونی جهت رهایی از مشکلات اعطا کرد. ولی اولین فرم قانونی این قرارداد در بخش ۱۳۶ «قانون شرکت‌های سال ۱۸۶۲» مشاهده می‌شد که به شرکت‌های داوطلب تصفیه و انحلال اجازه می‌داد با طلبکاران، وارد توافقی جهت تقسیم باقی‌مانده دارایی شوند.^۳ به این ترتیب، شرکت تصفیه می‌شد و چنین توافقی هم نیاز به تأیید دادگاه نداشت. مشکل این قانون در الزام نکردن مخالفان به قرارداد بود. قانون شرکت‌های سهامی سال ۱۸۷۰ اکثریت لازم را برای انعقاد قرارداد تعدیل کرد، ولی مشکل مخالفان همچنان مشاهده می‌شد.^۴ در واقع، نسخه‌های اولیه این قرارداد به حدی سخت‌گیرانه بود که امکان اجرای آن را کاهش می‌داد.^۵ به‌مرور زمان با اصلاح ساختار قرارداد ارفاقی، تمایل بدهکاران به استفاده از این آیین منعطف بیشتر شد و امروزه از این شیوه بیش از سایر روش‌ها از جمله انواع «ادغام» استفاده می‌شود.^۶

1. Payne Jenifer, "Cross-Border Schemes of Arrangement & Forum Shopping", (2013), Rev 14: 563-589.

2. Kastrinou A, Jacobs L, "Pre-Insolvency Procedures: A United Kingdom & South African Perspective", In: Parry R, Omar PJ (eds) Reimagining Rescue, INSOL Europe, Nottingham /Paris, (2016), P.97 & Note 38.

3. Geoff O Dea, Julian Long & Alexandra Smyth, "Scheme of Arrangement": Law & Practice, Oxford University Press, (2012), PP.12-13.

4. Yazid Fahad Almasoud, "Scheme of Arrangement & Restructuring of Companies", (2019), PP.51-52.

5. Kanaga Dharmanada & Anthony Papamatheos, "Scheme of Arrangement", Federation Press, (2011), PP.22-23.

6. Yazid Fahad, Op...cit, P.31.

مقررات کنونی که بر قرارداد ارفاقی حاکم است، از بخش بیست و ششم «قانون شرکت‌های - سال ۲۰۰۶» منشأ می‌گیرد و کاملاً از قواعد عمومی قراردادها و همچنین قواعد حاکم بر روند بازسازی مالی متمایز است.^۱ بزرگ‌ترین مزیت این آیین، انعطاف‌پذیری آن است و تقریباً هیچ محدودیتی برای مندرجات آن وجود ندارد، ولی به هر حال اجرای آن را دادگاه نظارت می‌کند.^۲ بسیاری اوقات، شرکت‌های خارجی به دادگاه‌های انگلیس درخواست انعقاد قرارداد ارفاقی می‌فرستند و تنها پیش‌شرط آن، وجود «ارتباط مناسب» با محدوده قضایی انگلستان است. البته، چنانچه طرفین، طی شرطی مندرج در قرارداد، دادگاه‌های این کشور را صالح بدانند، کفایت می‌کند.^۳ در هر دو شکل فوق، شرکت‌های خارجی می‌توانند به‌منظور سامان‌دهی بدهی خود از آیین قرارداد ارفاقی مندرج در ماده ۸۹۵ «قانون شرکت‌های ۲۰۰۶» بهره‌مند شوند^۴ و دادگاه‌ها نیز عملاً از این درخواست حمایت می‌کنند.^۵ به‌طور خلاصه، این قرارداد توافق تجاری فی‌مابین بدهکار با طلبکارانی است که یا دعوی علیه بدهکار طرح کرده‌اند یا شرط قراردادی در این خصوص دارند. در این شرایط بدهکار پیشنهادهایی را جهت مدیریت بدهی‌ها ارائه می‌دهد؛^۶ بدین توضیح که ابتدا شرکت طرحی را جهت بازسازی مالی تهیه می‌کند که مدیران شرکت، سهام‌داران و طلبکاران آن را می‌پذیرند.^۷ این طرح بیانگر توافق بر یافتن راهی در راستای هدف مشترک و منافع طرفین است.^۸ سپس، جهت حصول اطمینان از اجرای صحیح و عادلانه طرح پس از تأیید اکثریت قانونی، دادگاه آن را تأیید می‌کند.^۹ دادگاه بر روند بازسازی تحت شرایط -

1. Harmanns R, "Consequences of the German Equitable Life-Decision for the use of English Schemes of Arrangement in Cross-Border Reorganization", INSOL World 35, Available at: <http://www.debrauw.com/wp-content/uploads/2013/09/INSOL-World-Consequences-of-the-German-Equitable-Life.pdf>, (2013).

2. Shalchi Ali, Op. cit, P.10.

3. Jente Dengler, LL.M, "Debt Restructuring in the UK & Spain", P.5.

4. Payne Jenifer, "Cross-Border Scheme of Arrangement & Forum Shopping", (2013) 14 (4) EBOR 563, Ignacio Tirado.

5. Rensen S, "Corporate Restructuring & Corporate Dissolution of Companies in Financial Distress: Ensuring Creditor Protection. A Comparison of the US, UK & Dutch Models", Insolve Rev 26: 204-228 (2017) P.215.

6. Pyne Jennifer, "Scheme of Arrangement & Rescue": The Lost Cousin of Restructuring Practice, (2009) 24 (7) Journal of International Banking & Financial Law PP. 386-387.

7. Pyne Jennifer, "Scheme of Arrangement, Theory & Operation", Cambridge University Press, (2014), PP. 18-19.

8. Jan-Jaap Kuipers, "Scheme of Arrangement & Voluntary Collective Redress": A Gap in the Brussels I Regulation, (2012) 8 (2) Journal of Private International Law, PP. 225, 229-231.

9. Pilkington Christian, "Scheme of Arrangement in Corporate Restructuring", Sweet & Maxwell, (2013), PP. 15-19.

قرارداد ارفاقی که طرفین ملزم به رعایت آن هستند نیز نظارت می‌کند.^۱ به این ترتیب، با روش‌های ارائه‌شده قانونی، شرکت از شرایط پرمخاطره خارج می‌شود و با استفاده از «تحمیل - طرح بازسازی»^۲ اقلیت مخالف نیز نمی‌تواند مانع اجرای توافقات شوند.^۳ البته، هرچند کسب آرای مثبت ۷۵٪ دارندگان سهام نسبتاً آسان است، معمولاً جلب نظر موافق اکثریت عددی - طلبکاران، بسیار دشوار است.^۴

در راستای توضیح اجرای این روش، چهار گام را می‌توان متصور شد:

- ۱- تشکیل جلسه استماع: شرکت یا اعضای آن، طلبکاران، مدیر تصفیه یا ناظر (چنانچه پیش‌تر به‌طور رسمی پرونده ورشکستگی مطرح شده باشد)، به موجب مجوز ماده ۸۹۶ «قانون شرکت‌های سال ۲۰۰۶» درخواستی به دادگاه ارائه می‌کنند و احضار افراد ذی‌نفع را برای دستیابی به توافق یا سازش خواستار می‌شوند.
 - ۲- احضار: به‌موجب ماده ۸۹۷ همان قانون، دعوت‌نامه‌ای برای افراد ذی‌نفع ارسال می‌شود و در آن، نتیجه یا تأثیر توافق یا سازش درج می‌شود.
 - ۳- تأیید: توافق یا سازش مورد نظر طبق ماده ۸۹۹ قانون مذکور، باید توسط ۷۵٪ طلبکاران و اعضای حاضر که در جلسه رأی داده‌اند، تأیید شود.
 - ۴- تصویب: پس از تأیید قانونی، چنانچه مدارک ضمیمه کامل باشد و رأی‌گیری صحیح و منصفانه صورت گرفته باشد، دادگاه قرارداد را تصویب می‌کند^۵ و از این پس، برای همه، حتی مخالفان، الزام‌آور است.^۶
- لازم به توضیح است که این روش در اتحادیه اروپا دیده نمی‌شود. بدین توضیح که نه صلاحیت قضایی و نه قواعد شناسایی و اجرای آرای مربوط به ورشکستگی در اتحادیه، شامل قرارداد ارفاقی نمی‌شود.^۷

1. Geoff O'Dea, (2012), Op...cit, PP.12-13.

2. Cross Class Cram Down.

3. Pilkington Christian, Op...cit, (2017), P.9.

4. Company Law Review (CLR), "Modern Company Law for a Comparative Economy": Final Report, URN 01/942, July (2002), Para. 13. 10.

5. Rensen S, Ibid.

6. Kastrinou A, Jacobs L, Op...cit, PP. 97-99.

7. Weil, Gotshal Manges, "Comparative Guide to Restructuring Procedures", PP. 25-40.

در حقوق ایران، لایحه جدید قانون تجارت که از سوی کمیسیون قضایی و حقوقی در سال ۱۳۹۱ تصویب شد، به بحث «قرارداد ارفاقی پیشگیرانه» پرداخته است. این لایحه، اشخاص حقیقی و حقوقی را مخاطب قرار می‌دهد، اما سرنوشت بنگاه را به خوبی از تقدیر مالک یا مدیر آن جدا می‌سازد. ممکن است بنگاه تغییر فعالیت دهد، بزرگ یا کوچک یا ادغام شود، تغییر مدیر دهد یا ساختارش متحول شود. در واقع، تغییر و تحول در ابعاد متفاوتی با هدف اصلاح وضعیت - نابسامان آن پیش‌بینی شده است. در همین حال، ممکن است رفتار شخص بنگاهدار از جهت ارتکاب جرم یا تقصیر، بررسی و درباره آن تصمیم‌گیری شود.

در کتاب چهارم این لایحه که «ورشکستگی و قرارداد پیشگیرانه» نام دارد و از ماده ۸۸۳ آغاز می‌شود، آیین‌های متفاوت رسیدگی توضیح داده شده و خصوصاً «قرارداد ارفاقی پیشگیرانه»، آیین اختصاصی دوران توقف احتمالی یا درجه سه محسوب می‌شود. بر اساس ماده ۸۸۳: «حکم ورشکستگی تاجر در صورت توقف وی از تأدیة وجوهی که بر عهده اوست، صادر می‌شود؛ مگر اینکه مطابق این قانون کفایت اموال وی نسبت به دیون او احراز شود یا علی‌رغم احراز نشدن کفایت اموال نسبت به دیون تاجر، قرارداد ارفاقی پیشگیرانه منعقد شود...» این ماده به صراحت بیان می‌کند که چنانچه بنگاهی مشکلات مالی داشته باشد، ولی هنوز به توقف نرسیده و اموالش کفایت دیونش را بکند، می‌تواند تقاضای قرارداد ارفاقی پیشگیرانه کند و با اجرای آن، بحران موجود را پشت سر گذارد.

به هر حال، بر اساس لایحه تجارت سال ۱۳۹۱ تاجر حسب مندرجات مواد ۸۹۰ و ۸۹۱ مهلت یک‌ماهه دارد تا ضمن اعلام وقفه، مدارک دارایی و دیون خویش را به دادگاه تقدیم کند. البته که طبق ماده ۸۸۶، هیچ اثری بر صرف توقف از تأدیة دیون مترتب نیست، اما به هر حال، انجام تکلیف مندرج در مواد ۸۹۰ و ۸۹۱ یا انجام ندادن آن، منشأ آثار بسیاری در این لایحه محسوب می‌شود.

اولین اثر قانونی انجام دادن تکلیف مواد پیش‌گفته، انتصاب نشدن امین است و بر اساس ماده ۹۰۰، خود تاجر تکالیف و مسئولیت‌های امین را به عهده می‌گیرد. این امکان در جهت حفظ - اعتبار بنگاه‌هایی که خواستار انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه به‌منظور پشت سر گذاشتن مشکلات هستند، بسیار مفید است. کلیة اقدامات احتیاطی مندرج در مواد ۹۰۳ الی ۹۳۱ و نصب امین و ناظر و بحث تکالیف و مسئولیت‌های آن‌ها نیز که در مواد ۹۳۲ الی ۹۶۶ بیان شده، همچنین

موضوع اداره‌کنندگان امور متوقف و عملیات تشخیص مطالبات از سوی امین موضوع مواد ۹۳۲ الی ۱۰۰۶ در خصوص تاجری که به تکالیف مندرج در مواد ۸۹۰ و ۸۹۱ عمل کرده، منتفی است و چنانچه در هر یک از این مراحل عملی لازم باشد، تاجر در خصوص آن اقدام می‌کند. پس از آنکه دیون و دارایی تشخیص داده شد و حسب مقررات مواد ۱۰۰۷ تا ۱۰۳۰ جلسه دادگاه جهت تصمیم‌گیری به کفایت یا عدم کفایت دارایی از دیون و همچنین قبول یا رد امکان انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه برگزار شد، در صورت حصول نتیجه به امکان انعقاد قرارداد پیش-گفته، به موجب مواد ۱۰۳۱ تا ۱۰۴۴ عمل می‌شود.

همان‌گونه که توضیح داده شد، می‌توان امیدوار بود بنگاه‌هایی که با بحران مالی پیش از توقف مواجه‌اند، از راهکارهای مندرج در آن استفاده کنند و چنانچه امکان فائق آمدن بر مشکلات وجود داشته باشد، بحران‌ها را پشت سر بگذارند و توقف را دفع کنند.

۱.۲. توافق‌نامه اختیاری شرکت^۱

اصولاً فلسفه توجه و تمرکز بر راهکارهای احیای بنگاه‌ها بر این واقعیت استوار است که ارزش شرکت در حال فعالیت بسیار بیشتر از ارزش اموال جداگانه آن برای فروش است و «توافق نامه» به‌خوبی این هدف را تأمین می‌کند.^۲ البته، همچنان ممکن است تمام خسارات جبران نشود، اما به هر حال منافع جمعی طلبکاران بهتر حفظ می‌شود.^۳ و^۴ توافق‌نامه اختیاری بر اساس بخش اول قانون ورشکستگی سال ۱۹۸۶ وارد نظام حقوقی انگلستان شد.^۵ اصولاً از این توافق نامه زمانی که شرکت هنوز سود ده است و توقف قطعی ندارد، استفاده می‌شود؛ زیرا در این حالت، طلبکاران ترغیب می‌شوند که مطالباتشان را به صورت اوراق قرضه یا سهم درآوردند و کماکان اعتبارات آنان در اختیار بنگاه باشد. این توافق خارج از روند رسمی رسیدگی دادگاه است و به‌منزله نهادی خارج از دادگاه نتایج خوبی به همراه دارد. بدهکار از طریق توافق، شیوه جدیدی برای مدیریت پرداخت‌ها می‌یابد و معمولاً تنها بخشی از بدهی‌هایش را می‌پردازد. شرکت‌هایی که طرحی برای تجدید ساختار دارند، ولی نمی‌توانند موافقت طلبکاران

1. Company's Voluntary Agreement (CVA).

2. London Department of Trade and Industry Review, (2005), P.5.

3. Jay Barney, "Firm Resources & Sustained Comparative Advantage", (1991) Journal of Management 17, PP. 99-120.

4. Kathleen Conner & C.K. Prahalad, "A Resource - Based Theory of the Firm: Knowledge Versus Opportunism", (1996), Organization Science 7, PP.477-501.

5. Shalchi Ali, Op...cit, P. 25.

موثق و ممتاز را جلب کنند، از این روش به خوبی بهره‌برداری می‌کنند.^۱ بر این اساس طلبکاران - غیر موثق در قالب یک طبقه مجزا رأی می‌دهند و توافق حاصله نیازمند تأیید دادگاه نیست؛ مگر آنکه یکی از طلبکاران از دادگاه درخواست کند. البته، توافق‌نامه نباید حقوق طلبکاران موثق یا ممتاز را به خطر اندازد؛ مگر به اتفاق آراء تأیید شده باشد.^۲ پس از انعقاد این توافق الزام‌آور، مدیریت شرکت فعالیت‌های آن را اداره می‌کند و کار خود را پی می‌گیرد.^۳ معمولاً یک متخصص ورشکستگی بر اجرای توافق نظارت می‌کند، ولی اجرای روزمره آن به عهده مدیران است. این شیوه به جز در مواردی که از طریق یک مدیر ورشکستگی آغاز شود، یا در موضوع، یک شرکت کوچک باشد، معمولاً امکان بهره‌مندی از «استمهال» را نخواهد داشت. این امر تا حدودی موجب بی‌رغبتی شرکت‌ها به استفاده از آن می‌شود، ولی «ممنوعیت درج شرط فسخ»^۴ که پیش از این هم در خصوص توافق‌نامه اعمال می‌شد، با «سیگا»^۵ به تمام قراردادهای تأمین کالا و خدمات تعمیم داده شده است.^۶

در خصوص مقایسه دو روش «قرارداد ارفاقی» و «توافق‌نامه اختیاری شرکت» می‌توان به نکات ذیل اشاره کرد:

- مدیریت شرکت در هر دو روش ابقا می‌شود و متخصص ورشکستگی بر اجرای طرح‌ها نظارت می‌کند، ولی در قرارداد ارفاقی این انتصاب رسمی نیست.
- هیئت طلبکاران تشکیل می‌شود و به موارد مطروحه رأی می‌دهند. طلبکاران منفرد گاهی طرح‌ها را در دادگاه به چالش می‌کشند، ولی دادگاه به این چالش بی‌رغبت است و معمولاً از طرح حمایت می‌کند.
- قراردادهای جاری در هر دو ادامه می‌یابد؛ مگر در مواردی که طرحی خلاف آن را مقرر دارد.

1. Ibid.

2. Weil, Gotshal Manges, "Comparative Guide to Restructuring Procedures", PP. 14.

3. Individual Voluntary Arrangement FA, "Fresh start" for Sakaried Consumer Debtor in England & weles", PP. 6-7, For more Information P. 25.

4. Ipso facto.

۵. قانون ورشکستگی و حاکمیت شرکتی، UK Corporate Insolvency & Governance Act, "CIGA" 2020، که در این مقاله «سیگا» نامیده می‌شود.

6. Shearman & Sterling, Op...cit, 9 July (2020).

- استمهال در خصوص توافق نامه اختیاری شرکت وجود ندارد؛ مگر در مواردی که مدیر تصفیه ورشکستگی، پرونده را آغاز کرده باشد یا در خصوص شرکت‌های کوچک باشد.
- در هر دو مورد معمولاً منابع مالی قبلی تجدید می‌شود و تأمین مالی جدیدی وجود ندارد.
- هزینه قرارداد ارفاقی کمتر از توافق نامه اختیاری شرکت است.
- و نهایتاً قرارداد ارفاقی نیازمند تأیید دادگاه است، ولی توافق نامه اختیاری تنها در صورتی که یکی از طرفین درگیر در ورشکستگی پرونده را در دادگاه مطرح کرده باشد، به تأیید نیاز دارد.^۱

در حقوق ایران شاید بتوان از ظرفیت قانونی مواد ۱۰ و ۱۹۰ قانون مدنی یا چارچوب عقد صلح برای حصول چنین توافقی استفاده کرد، ولی از آنجا که پشتیبانی قانونی برای آن پیش‌بینی نشده، مشخص نیست که در عمل تا چه اندازه امکان موفقیت اجرایی چنین توافقی‌هایی وجود دارد.

مقرره دیگری که در این خصوص می‌توان به آن اشاره کرد، «حکم وزارتی راجع به طرز رسیدگی به دعاوی راجعه به اعسار تجاری» به تاریخ سوم جدی ۱۳۳۶ به شماره ۸۲۰۸ است که در اجرای نظام نامه پنجاه و پنج ماده‌ای مصوب هیئت وزرای عظام به تاریخ چهارم رجب ۱۳۳۴ ه.ق راجع به اعسار و ورشکستگی به تصویب رسید. بر اساس ماده ۱۴ این مقرره: «تجّار نمی‌توانند به غیر ترتیب مذکور فوق (منظور اعلام ورشکستگی طبق ماده ۲ است) ادعای افلاسی کنند؛ مگر اینکه در امر تجارتي خود نکسی مشاهده کنند و به‌عنوان اعسار از محکمه - تجارت استدعا کنند که طلبکاران آنها را احضار و قراری در اخذ مهلت یا تقسیط قروض مدعی اعسار بدهند.» با توجه به این مقرره می‌توان دریافت که در آن زمان دو آیین متفاوت برای رسیدگی به امور ورشکستگی وجود داشته است که یکی «ورشکستگی تجاری» برای تجّار متوقف بوده و دیگری «اعسار تجاری» برای تجّاری که هنوز به توقف نرسیده‌اند، ولی با مشکلات مالی مواجه شده‌اند. این گروه دوم می‌توانستند در دادگاه تجاری وضعیت خود را اعلام کنند و با وساطت دادگاه ضمن حفظ مالکیت بر اموال خویش با طلبکاران توافق کنند و از آنان

1. ELI, European Law Institute, "Rescue of Business in Insolvency Law", ISBN: 978-3-9503458-9-6, (2017), P. 185.

مهلتی جهت تأدیة دیون بگیرند و یا قراری جهت پرداخت به اقساط بگذارند.^۱ این توافق نوعی «توافق نامه اختیاری» بود که به بدهکار کمک می‌کرد ضمن اصلاح وضعیت مالی و پشت سر گذاشتن بحران به چرخة اقتصادی فعال بازگردد. متأسفانه این امکان نافرجام ماند و به موجب قوانین بعدی نسخ شد؛ بدون اینکه هیچ‌گونه جایگزینی برای آن در نظر گرفته شود.

در مقایسه حمایت‌های قانونی موجود در دو کشور می‌توان اذعان کرد که در دوران توقف - احتمالی یا درجه سه حمایت خاصی در ایران وجود ندارد و در انگلیس از حمایت‌های قانونی - موجود برای متوقف درجه سه، «استمهال» به نظر مناسب‌ترین شیوه پشتیبانی است که ذیلاً توضیح داده می‌شود.

۱.۳. استمهال قانونی^۲

این شیوه با مجوز قانون ورشکستگی سال ۱۹۸۶^۳ وارد حقوق انگلستان شد تا از بدهکار در برابر طلبکاران حمایت کند.^۴ «استمهال» ابزاری مستقل برای شرکت‌های بحران‌زده است که در جهت احیای آن‌ها به کار می‌رود و کاملاً «بدهکارمحور» است. در واقع، فرصت تنفسی برای - بدهکار فراهم می‌سازد تا طرحی جهت نجات و احیا تهیه کند. برای بار اول به مدت بیست روز و بدون رضایت طلبکاران تا بیست روز دیگر و با رضایت نام‌برندگان تا یک سال هم تمدیدشدنی است. چنانچه مدیران به دادگاه دادخواست داده باشند و همچنین در خصوص طرح تجدید ساختار و قرارداد ارفاقی، دادگاه در تمدید مختار است. در توافق نامه اختیاری شرکت نیز تا زمانی که طرح آغاز شده و از سوی طلبکاران تعیین تکلیف شود یا شرکت از آن منصرف شود، تمدیدشدنی است.^۵

بر اساس رایزنی سال ۲۰۱۶ که دفتر خدمات ورشکستگی انگلیس آن را ارائه کرد، یک - استمهال سه ماهه برای تمام راهکارهای ورشکستگی از جمله توافق نامه اختیاری و قرارداد ارفاقی پیشنهاد شد.^۶ بر اساس این رایزنی، ویژگی‌های زیر برای استمهال در نظر گرفته شد:

- امکان تصمیم‌گیری با آرامش که آیا وارد روند تجدید ساختار، تصفیه، قرارداد ارفاقی یا توافق نامه اختیاری شوند.

۱. صقری، محمد، «حقوق بازرگانی و ورشکستگی»، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۶)، جلد دوم، ص ۵۰۶.

2. Moratorium.

3. Insolvency Act, (1986), Schedule B 1, Part A 1.

4. Shalchi Ali, Ibid.

5. Shearman & Sterling, Ibid.

6. ELI, Op...cit, P.185.

- مانع اجرای تضامین و وثایق می‌شود. بدهی‌های معوقه متوقف می‌شود، ولی بدهی‌های جاری باید پرداخت شود.
- بر اقامه دعوی تأثیرگذار است و به تأیید دادگاه و طلبکاران نیازی ندارد. طلبکاران می‌توانند ظرف مدت بیست‌وهشت روز آن را به چالش بکشند.
- به مدت سه ماه ادامه دارد. با توافق ۱۰۰٪ طلبکاران تضمین شده و بیش از ۵۰٪ طلبکاران عادی امکان تمدید دارد.
- به وسیله یک متخصص ورشکستگی یا حسابدار یا وکیل که مدیران او را معرفی می‌کنند، نظارت می‌گردد، ولی مدیران ابقا می‌شوند.
- تنها برای شرکت‌هایی که مشکلات مالی دارند یا ورشکسته هستند، قابل استفاده است. بانک، بیمه و مؤسسات مالی هم نمی‌توانند از استمهال استفاده کنند، ولی بزرگی یا کوچکی شرکت‌ها مهم نیست.
- هزینه‌های وارده در مدت استمهال مانند هزینه کارشناسی و ... مقدم بر سایر هزینه‌ها است؛^۱ البته چنانچه شرکت در حال تصفیه یا انحلال باشد، واجد شرایط دریافت - استمهال قانونی نیست.^۲
- در اصلاحیه قانون سال ۲۰۱۸ شرط «قابلیت بقای مالی» جهت استفاده شرکت‌ها از استمهال وجود داشت که در «سیگا» این شرط حذف شد و در حال حاضر هر شرکتی که در حالت توقف احتمالی یا قطعی باشد، می‌تواند به واسطه مدیرانش درخواست استمهال قانونی کند. چنین درخواستی به دو صورت ذیل صورت می‌پذیرد:
- خارج از دادگاه: برای شرکت‌های انگلیسی که موضوع دعوی تصفیه یا استمهال یا هر روند ورشکستگی دیگری طی دوازده ماه گذشته نبوده‌اند.
- از طریق درخواست به دادگاه: برای شرکت‌های خارج از انگلستان که به - دنبال استمهال در این کشور هستند و برای شرکت‌های انگلیسی که طی دوازده ماه

1. Pratt's, Op...cit, P.95.

2. ELI, Op...cit, P. 225.

گذشته استمهال یا دعوی ورشکستگی یا تصفیه داشته‌اند. در این حالت، دادگاه بررسی می‌کند که آیا استمهال می‌تواند شرایط بهتری را برای طلبکاران فراهم سازد یا خیر.^۱ در هر دو حالت، مدیران شرکت باید اثبات کنند که شرکت در درجهٔ توقف احتمالی یا قطعی است و این امر با دو آزمون «ترازنامه»^۲ و «جریان نقدی»^۳ صورت می‌پذیرد. «جریان نقدی» به ظاهر امر دلالت دارد که آیا شرکت توان بازپرداخت بدهی‌هایش را دارد یا خیر؛ در حالی که «ترازنامه» مبین این واقعیت است که آیا در مجموع میزان دارایی بدهکار بیش از بدهی‌هایش است یا خیر.^۴

به هر حال، بر اساس «سیگا»^۵، شرکت‌های بحران‌زده، اما احیاپذیر (دارای توقف درجهٔ سه یا دو) می‌توانند با استفاده از استمهال برای تجدید ساختار آماده شوند، سرمایه‌گذاران جدیدی بجویند، یا راه‌های نجات دیگری بیابند و این روش هزینه و بار مسئولیت ادارهٔ بنگاه را به حداقل می‌رساند.^۶ در طول مدت استمهال، اجرای تضامین و وثایق به جز در موارد خاص و همین‌طور پرداخت بدهی‌های مربوط به زمان پیش از استمهال متوقف می‌شود. همچنین دعاوی ذیل پذیرفته نمی‌شود:

- دعوی تصفیه و انحلال و تصویب طرح تصفیهٔ داوطلبانه و نصب ناظر یا مدیر تصفیه یا تقدیم دادخواست برای آن؛ مگر آنکه از سوی مدیران شرکت مطرح شود.^۷
- نتایج احتمالی استفاده از استمهال قانونی می‌تواند به شرح زیر باشد:
- ممکن است شرکت بتواند بدون استفاده از آیین و روند دیگری خود را بازیابی کند (فرضاً با تزریق منابع مالی جدید و بدون ورود به روند ورشکستگی)؛
 - فروش یا تأمین مالی مجدد و سرمایه‌گذاری جدید خارج از روند ورشکستگی؛
 - حصول «توافق‌نامهٔ اختیاری» با طلبکاران؛
 - انعقاد «قرارداد ارفاقی» با طلبکاران؛

1. Shearman & Sterling, Ibid.

2. Balanc Sheet.

3. Cash Flow.

4. Nutsa Chkheidze, "Individual Bankruptcy Law in US, UK & Germany, Lessons for Georgia", (CEU), Central European University, 1051 Budapest, Nador Utca 9, Hungary, (April 12, 2019), P.43.

5. Corporate Insolvency & Governance Act (2020).

6. Shalchi Ali, Op...cit, P.11.

7. Shearman & Sterling, Op...cit, PP.3-4.

- تصویب و آغاز طرح تجدید ساختار شرکت.
 - همچنین ناظر یا متصدی کنترل در شرایط ذیل استمهال را خاتمه می‌دهد:
 - شرکت در درجه‌ای از توقف باشد که نتواند بدهی‌های دوران استمهال را پرداخت کند.
 - استمهال بیش از آن نتواند به نجات و احیای شرکت کمک کند.
 - مدیران شرکت، مشارکت لازم را با ناظر یا متصدی کنترل معمول نداشته باشند و اطلاعات لازم را در اختیار وی قرار ندهند.^۱
- ملاحظه می‌شود که چگونه آیین متناسب با شدت بحران مالی به همراه حمایت قانونی لازم می‌تواند در پیشگیری از توقف و نجات و احیای بنگاه اقتصادی مؤثر باشد و نتیجتاً سبب رشد و شکوفایی اقتصادی در ابعاد وسیع شود.

۲. بحران پس از تاریخ توقف

برای بنگاه‌هایی که به توقف قطعی یا درجه دو رسیده‌اند، راهکارهای ذیل در حقوق دو کشور ایران و انگلیس به چشم می‌خورد:

۲.۱. آیین اداره فعالیت^۲

مفهوم «اداره فعالیت» با قانون سال ۱۹۸۶ وارد حقوق انگلیس شد. در این آیین راهکارهایی جهت احیای شرکت متوقف ارائه شده است. استمهال پیشنهادی جهت استفاده در آیین، فرصت - مناسبی را جهت بازسازی در اختیار بنگاه قرار می‌دهد که در صورت ارائه نکردن، شرکت‌ها منحل می‌شوند.^۳ هدف این آیین، حصول اطمینان از نجات شرکت‌های در حال فعالیت است. بر اساس این قانون پس از اقامه دعوی دادگاه تصمیم می‌گیرد. گاهی یک متخصص ورشکستگی انتخاب می‌کند. نامبرده تلاش می‌کند امکان حصول توافق داوطلبانه را به‌جای رسیدگی - قضایی بررسی کند. در صورت شکست، دادگاه وارد رسیدگی می‌شود و یک مدیر ورشکستگی یا امین منصوب می‌کند که دارایی بدهکار را مدیریت کند. این فرد تا زمانی که بستانکاران نماینده خود را معرفی کنند، نقش امین را هم ایفا می‌کند. او دارایی ورشکستگی را بین طلبکاران توزیع

1. Shalchi Ali, Op...cit, PP.18-19.

2. Administration.

3. Shalchi Ali, Ibid.

می‌کند. به این عمل «تقسیم سهم»^۱ می‌گویند و بدهی‌هایی که بدین وسیله پوشش داده می‌شود، «قابل اثبات»^۲ نامیده می‌شود.^۳

متعاقباً «آیین ادارهٔ فعالیت» بر اساس قانون سال ۲۰۰۲ که از پانزدهم سپتامبر ۲۰۰۳ به اجرا درآمد، اصلاح شد. ویژگی این اصلاحیه آن است که مدیر ورشکستگی تنها در موارد خاصی منصوب می‌شود و هدف اصلی در این قانون احیای شرکت متوقف در حال فعالیت است. این قانون دو راه خارج از دادگاه را برای زمانی که طلبکاران موثق آغاز می‌کنند، پیشنهاد می‌دهد. برای طرح دعوی در دادگاه باید موارد ذیل بیان شود:

- آیا شرکت، متوقف احتمالی یا قطعی است؟
 - آیا نجات شرکت در حال فعالیت امکان‌پذیر است؟
 - چگونه منافع جمعی طلبکاران به صورت بهینه تأمین می‌شود؟ (با تصفیه یا احیا)
 - چگونه و چه میزان از دارایی ورشکستگی می‌تواند بدون اضرار به منافع طلبکاران عادی، بین بستانکاران موثق و مرجح توزیع شود؟
- دادگاه پس از بررسی نکات فوق تصمیم می‌گیرد که آیا این آیین آغاز شود یا خیر و در صورت صلاحدید، مدیر منصوب می‌کند. بدین ترتیب متناسب با درجهٔ توقف ورشکسته، مداخلهٔ قضایی و آیین اجرایی مناسب انتخاب می‌شود.

در حقوق ایران موارد ذیل جهت نجات و احیای بنگاه متوقف قطعی به چشم می‌خورد:

- «قرارداد ارفاقی»: موضوع این قرارداد چیزی است که طرفین قرارداد بر آن توافق می‌کنند، اما قانون تجارت و قانون ادارهٔ تصفیه راجع به موضوع آن ساکت است و لذا - قرارداد ارفاقی در اختیار طرفین قرار می‌گیرد. منطقی‌موضوع اصلی قرارداد ارفاقی - زمان‌بندی تأدییهٔ طلب طلبکاران است.^۴ بر اساس این قرارداد که میان بدهکار و طلبکارانش منعقد می‌شود، مدیون متوقف متعهد به پرداخت مبالغ معینی در سررسیدهای مشخص به دائنین خویش می‌شود و در ازای آن مجدداً اختیار امور

1. Dividends.

2. Provable.

3. Ian F. Fletcher, "The Law of Insolvency", Published by Sweet & Maxwell, 4th Edition, (2009), P.23.

۴. کاویانی، کوروش، حقوق ورشکستگی، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۳، ص ۵۹.

- تجارتی خود را در دست می‌گیرد. هدف سنتی از این قرارداد زایل کردن آثار قانونی - توقف و توقیف اموال بدهکار است. همچنین، بر اساس این قرارداد به بدهکاری که - مرتکب حيله و تقلبی نشده و توقیف ناشی از مسائل دیگر است، اجازه داده می‌شود که در آینده با به کار انداختن سرمایه قبلی خود به عملیات تجارتي بپردازد.^۱ در صورت - ادامه فعالیت بدهکار، منافع طلبکاران نیز بهتر تأمین می‌شود و نسبت به راه‌حل فروش اموال، سهم بهتری از طلب‌های خویش را دریافت می‌کند. البته به هر حال طلبکاران مجاز به پیشنهاد قرارداد ارفاقی به بدهکار نیستند.
- به‌موجب مواد ۳۰۱ به بعد قانون تجارت سال ۱۳۰۳ و همچنین مواد ۴۷۶ به بعد قانون - تجارت سال ۱۳۱۱ و همچنین مواد ۳۸ به بعد قانون اداره تصفیه^۲ جنبه‌های ماهوی و شکلی این قرارداد پیش‌بینی شده است.
- لازم به توضیح است که با توجه به سخت‌گیرانه بودن این قانون در قبال بدهکار، انعقاد و اجرای قرارداد ارفاقی طبق آن در عمل بسیار نادر است. همچنین در حقوق ما روش‌های اجرایی موقتی نیز برای احیای بنگاه‌های متوقف به چشم می‌خورد که ذیلاً توضیح داده می‌شود:
- «هیئت حمایت صنایع» در قانون «حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیلی کارخانه‌های کشور» مصوب خرداد ۱۳۴۳ پیش‌بینی شده است. بر اساس ماده ۱ این قانون، هیئت حمایت از نمایندگان وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت صنایع، اتاق صنایع و معادن، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و یک نفر کارشناس در امور صنعتی یا اقتصادی به - انتخاب وزارتین صنایع و کار و امور اجتماعی تشکیل شده و واجد شخصیت حقوقی است.
- بر اساس ماده ۲ این قانون، هیئت مجاز است شخص یا اشخاص حقیقی و یا حقوقی را به‌عنوان مدیر کارخانه تعیین کند. مدیران در دوران اداره موقت کارخانه امین محسوب شده و دارای اختیاراتی که از طرف هیئت اعطا می‌شود، خواهند بود.

۱. انوری پور، سید محسن، *ورشکستگی در حقوق ایران*، تهران، ۱۳۴۵، ص ۱۳۴.

۲. اسکینی، ربیعا، *حقوق تجارت، ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، «سمت»، ۱۳۷۸، صص ۱۵۸-۱۴۸.

این مرجع دارای کارشناس است و می‌تواند در خصوص تعطیلی کارخانه تصمیم بگیرد، اما در صورتی که «اداره کارخانه» مد نظر باشد، هیئت وفق ماده ۷، مجاز به تقاضای اعتبار از وزارتخانه‌های مربوطه خواهد بود که این امر منتهی به واگذاری وام و ماشین‌آلات به نام هیئت می‌شود. بر اساس ماده ۸ این قانون و ماده ۲۴ آیین‌نامه، هیئت باید ظرف شش ماه گزارشی جامع راجع به «اقتصادی یا غیراقتصادی بودن» ادامه فعالیت کارخانه ارائه کند. سرانجام، احتمال دارد که هیئت به حل مشکلات واحد تولیدی نائل آید. در این صورت صاحبان کارخانه می‌توانند پس از پرداخت مخارج، آن را تحویل بگیرند. ملاحظه می‌شود که عملکرد هیئت در مواردی که مکلف به اعطای کمک به کارخانه‌ها با هدف خارج کردن آن‌ها از حالت تعطیلی است، به‌طور غیرمستقیم به پیشگیری از بروز حالت توقف نسبت به مالکان آن‌ها کمک می‌کند.^۱

- مورد دوم «لایحه قانونی تصفیه فوری امور بازرگانان متوقف» (مذکور در گزارش شماره ۴/۸۲ به تاریخ ۱۳/۴/۱۳۴۶ کمیسیون دادگستری به مجلس - شورای ملی وقت پس از انجام اصلاحات مجلس سنای سابق) است که متأسفانه در مجلس شورای ملی مسکوت ماند و به‌بوته فراموشی سپرده شد.

بر اساس ماده اول این لایحه «هر بازرگان یا شرکت بازرگانی مشمول ماده ۴۱۲ قانون تجارت که بتواند ظرف دو سال، سه‌چهارم یا ظرف یک سال نصف قروض خود را بپردازد، مجاز است قبل از تقدیم دادخواست توقف، تصفیه فوری امور خویش را از دادگاه شهرستان محل - اقامت خود درخواست کند.» قید عبارت «قبل از تقدیم دادخواست توقف» بیانگر این امر است که تجار می‌توانستند به‌محض برخورد با مشکلات مالی جدی، به‌منظور دفع توقف و رفع بحران - حاصل از طریق حصول توافق با طلبکاران، از دادگاه درخواست تصفیه فوری کنند.

متأسفانه در قوانین تجاری سال‌های ۱۳۰۳ و ۱۳۱۱ و همچنین قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی سال ۱۳۱۸ کوچک‌ترین توجهی به این بخش از مشکلات مالی مشاهده نشده و تمام مقررات، مربوط به دوران توقف و ورشکستگی است. از سوی دیگر، قوانین مربوط به اعسار سال‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۱۳ نیز صراحتاً تاجر را از طرح ادعای اعسار منع کردند.

۱. بر اساس اصل ۱۳۸ ق.ا، «...دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار کند. مصوبات این کمیسیون‌ها در محدوده قوانین پس از تأیید رئیس‌جمهور لازم‌الاجراست.»

- مورد بعدی «کمیسیون بحران» است که هیئت‌وزیران وقت در جلسه به تاریخ ۱۳۷۷/۹/۲۹ خود به استناد اصل ۱۳۸^۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین تصویب کردند: «به‌منظور بررسی اثرات رکود جهانی و شناسایی علل و عوامل مشکلات کنونی داخلی بر صنایع تولیدی کشور، برای ارائه راه‌حل‌ها و پیشنهادهای - عملی جهت پیشگیری از تعطیلی واحدهای تولیدی، کمیسیونی مرکب از وزرای کار و امور اجتماعی کشور، بهداشت درمان و آموزش پزشکی، امور اقتصادی و دارایی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و رئیس کل بانک مرکزی با مسئولیت وزیر صنایع تشکیل می‌شود.» تصمیمات این کمیسیون با موافقت اکثریت اعضای کمیسیون و با استناد به اصل ۱۳۸ مذکور عنوان «مصوبه دولت» را خواهد داشت و می‌باید در وهله - نخست متضمن ارائه راه‌حل‌های مربوط به پیشگیری از تعطیلی واحدهای تولیدی باشد. به نظر می‌رسد منظور از «پیشگیری از تعطیلی» واحدهای تولیدی همان پیشگیری از توقف باشد و لذا این کمیسیون نیز جهت حل بحران‌های مالی پیش از توقف، کاربرد دارد.
- «کارگروه حمایت از تولید» که بنا بر تصمیم هیئت‌وزیران در جلسه به تاریخ ۱۳۸۸/۷/۱۵ به پیشنهاد رئیس‌جمهور و به استناد اصول ۱۲۷^۲ و ۱۳۸ ق.ا تشکیل شده است، وظایف کمیسیون بحران و کمیسیون منتخب دولت را یکجا داراست و صلاحیت عام دارد. مصوبات کارگروه باید جهت اطمینان از مطابقت با قوانین، قبل از ابلاغ برای اجرا، به آگاهی رئیس مجلس شورای اسلامی برسد. هدف مصوبه مذکور نیز همانند قانون حمایت صنعتی، بررسی و تصمیم‌گیری برای موانع و مشکلات فراروی تولید و ایجاد انگیزه، امید و حرکت افزون‌تر در بنیان‌گذاران فعالیت‌های اقتصادی و همچنین رسیدگی به وضعیت واحدهای مشکل‌دار در بخش‌های گوناگون صنعتی،

۱. بر اساس اصل ۱۲۷ ق.ا، «رئیس‌جمهور می‌تواند در موارد خاص، برحسب ضرورت با تصویب هیئت‌وزیران نماینده یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص تعیین کند. در این موارد تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رئیس‌جمهور و هیئت‌وزیران خواهد بود.

۲. ماده اول تصویب نامه هیئت وزیران به تاریخ ۱۳۸۸/۷/۱۵.

کشاورزی، گردشگری و صنایع دستی کشور و اتخاذ تصمیمات مناسب برای پیشگیری از تعطیلی واحدهای یادشده با استفاده از تمام ظرفیت‌های قانونی است.

– «ستاد تسهیل امور و پشتیبانی امور تولیدی و شهرک‌های صنعتی» هم که به استناد اصل ۱۲۷ ق.ا در تاریخ ۱۳۸۹/۲/۵ تشکیل شد، ظاهراً تنها در خصوص امور اجرایی صلاحیت ورود دارد و صدور تصویب‌نامه و آیین‌نامه موضوع اصل ۱۳۸ ق.ا، خارج از حیطه اختیارات این ستاد است؛ اما در عمل مرز میان اصول ۱۲۷ و ۱۳۸ را نادیده می‌انگارد و با دعوت از نمایندگان سازمان یا ارگان مرتبط در جلسات تصمیم‌گیری به صدور مصوبات می‌پردازد. هدف از تشکیل این ستاد حل سریع‌تر مشکلات اجرایی واحدهای تولیدی، صنعتی، معدنی و شهرک‌های صنعتی است؛ لذا جهت ایجاد گشایش در مشکلات بنگاه‌های متوقف احتمالی یا درجه سه نیز مفید واقع می‌شود.

البته نهادهای مذکور در بندهای «ج تا و» غیر قضایی است و از آنجا که به‌طور موازی به مداخله در امور می‌پردازند، در عمل مشکلات تداخل را به همراه خود می‌آورند و همین امر لزوم قانون‌گذاری در این زمینه را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

در حقوق انگلستان، یکی از آیین‌های مناسب بنگاه متوقف «طرح تجدید ساختار» است که ذیلاً توضیح داده می‌شود:

۲.۲. طرح تجدید ساختار

برای شرکت‌هایی که با بحران مالی دست به گریبان‌اند و دچار توقف احتمالی یا قطعی هستند، در حقوق انگلیس طرح تجدید ساختار پیش‌بینی شده است. برای سال‌های متمادی شرکت‌های انگلیس امکان تنظیم توافق و مصالحه با سهام‌داران و طلبکاران و تأیید دادگاه پس از کسب آرای اکثریت لازم را داشتند و بر اساس «قانون شرکت‌های سال ۲۰۰۶» این امکان برای شرکت‌های خارجی نیز مهیا بود (هرچند که بر اساس Recast، این توافق بخشی از یک پرونده ورشکستگی محسوب نمی‌شد). به هر حال، در سال ۲۰۱۸ دولت انگلیس به این نتیجه رسید که به یک طرح تجدید ساختار مناسب در کنار قرارداد ارفاقی برای احیای شرکت‌های بحران‌زده نیازمند است. ویژگی بارز این طرح، «تحمیل طرح بر بستانکاران»^۱ (گاهی اکثریت)

1. Cross class cram down (CCCD).

است. استفاده از طرح تجدید ساختار برای تمام شرکت‌های انگلیسی و غیر انگلیسی (که پیش از این قادر به انعقاد قرارداد ارفاقی بودند)، امکان‌پذیر است.

طرح تجدید، کلیه اشخاص درگیر را صرف‌نظر از اینکه رأی داده باشند یا خیر، متأثر می‌سازد؛ بدین توضیح که برخلاف قرارداد ارفاقی در اینجا ممکن است طرحی که در یکی از طبقات رأی ۷۵٪ لازم را کسب نکرده باشد، تصویب و لازم‌الاجرا و بر همه طبقات تحمیل شود. به همین دلیل هم «تحمیل طرح بازسازی بر کلیه بستانکاران» خوانده می‌شود.^۱

در سال ۲۰۱۶ جهت تصویب قانون ورشکستگی جدید رایزنی شد. اهم موارد مندرج در این رایزنی به شرح ذیل است:^۲

- طبقه‌بندی طلبکاران شرکت برخلاف شیوه رایج در قرارداد ارفاقی، بر اساس شباهت‌ها و حقوق مشترک صورت می‌پذیرد.
- شرکت باید برای تأیید این طبقات به دادگاه مراجعه کند. پس از تأیید دادگاه طلبکاران در هر طبقه باید با اکثریت ۷۵٪ ارزش سهام و ۵۰٪ تعداد، به طرح رأی دهند.
- همانند قرارداد ارفاقی در دادگاه دوم شرکت خواستار تأیید طرح می‌شود. همچنین ممکن است از «تحمیل طرح» بر مخالفان استفاده شود.
- دادگاه تنها در شرایطی از «تحمیل» استفاده می‌کند که اولاً؛ حداقل ۷۵٪ دارندگان سهام و بیش از ۵۰٪ از نظر تعداد در همه طبقات باقی‌مانده موافق طرح باشند و ثانیاً طرح پیشنهادی بهترین منافع جمعی را برای طلبکاران تأمین کند؛ بدین توضیح که منافع طلبکاران حتی در صورت تصفیه نیز بیش از این لحاظ نشود. در صورت حصول این دو شرط، دادگاه طرح را تأیید و بر همه طبقات تحمیل می‌کند.
- چنین طرحی می‌تواند مستقلاً یا همراه با «توافق‌نامه اختیاری شرکت» یا «قرارداد ارفاقی» اجرا شود.

پیرو همین رایزنی متعاقباً در جدول ۹ «سیگا» هم در خصوص طرح تجدید ساختار به‌طور مناسب قانون‌گذاری شد. بر اساس این قانون چنانچه طرح منصفانه، عادلانه و کاربردی باشد، پس از تأیید بر مخالفان نیز تحمیل می‌شود. بدین ترتیب، توافق یا سازشی بین طلبکاران و

1. Shearman & Sterling, Op...cit, (2020), P.7.

2. Pratt's, Op...cit, PP. 93-94.

شرکت صورت می‌پذیرد که هدف آن، پیشگیری، کاهش یا غلبه بر مشکلات مالی شرکت بدهکار است و موافق اصول و مراحل ذیل تصویب می‌شود و به اجرا می‌رسد.^۱

- شرکت، تأیید طبقات طلبکاران را بر اساس حقوق و منافع مشترکشان اخذ می‌کند.
- طلبکاران، بر اساس تقدم طبقات به‌طور جداگانه به طرح رأی می‌دهند.
- هر ذی‌نفع که از تصویب و اجرای طرح متأثر شود، باید حق مشارکت و رأی‌دهی در جلسات را داشته باشد.
- در هر طبقه چنانچه ۷۵٪ اعضا به طرح رأی دهند، به‌منزله تأیید رأی از سوی آن طبقه است.
- نهایتاً چنانچه طرح منصفانه و کاربردی باشد و منافع جمعی طلبکاران را تأمین کند، دادگاه آن را تأیید و بر مخالفان (حتی طلبکاران موثق) تحمیل می‌کند.
- مقدمتاً یا هم‌زمان با این طرح امکان استفاده از «استمهال» نیز بر اساس این قانون وجود دارد. برای قضاوت در خصوص موفقیت این طرح در عمل هنوز زود است؛ زیرا اولاً؛ مشخص نیست که چگونه در عمل با رویه‌های موجود هماهنگ می‌شود و ثانیاً؛ برخلاف آمریکا در انگلیس روش‌های ترکیبی و آزمون‌وخطا از سوی دادگاه هنوز ارزیابی نشده تا دریابیم چقدر عادلانه و کاربردی خواهد بود.

در حقوق ایران تنها در لایحه اصلاح قانون تجارت سال ۱۳۸۴ بازسازی به دو شیوه «مالی» و «بنگاهی» ملاحظه می‌شد که نوع اول بیشتر مخصوص کسبه است و تنها در جهت انعقاد قرارداد ارفاقی با بستانکاران تلاش می‌شد؛ ولی در نوع دوم که نهادی «شبه قضایی» بود، دو ابزار اجرایی «هیئت تشخیص» و «سازمان بازسازی» پیش‌بینی شده بود و طی آن امکان اصلاح بنگاه در ابعاد مختلف وجود داشت.^۲

همچنین، از بین حمایت‌های قانونی موجود در قانون انگلیس برای توقف قطعی، «ممنوعیت درج شرط فسخ قرارداد» مناسب‌ترین به نظر می‌رسد؛ زیرا با ادامه اجرای قراردادها احتمال نجات بنگاه بحران‌زده و بازیابی بنیه مالی آن بیشتر خواهد شد که ذیلاً به این حمایت - قانونی پرداخته می‌شود.

1. Shalchi Ali, Op...cit, PP. 20-22.

۲. صفری، محمد، پیشین، صص ۵۱۱-۵۰۸.

۲.۳. ممنوعیت درج شروط فسخ^۱

علی‌الاصول در حقوق انگلستان، اعمال شرط فسخ قرارداد در صورت ورشکستگی یا بروز بحران‌های مالی چنانچه صراحتاً در قرارداد درج شود، پذیرفته می‌شود؛ لکن (در مقام استثنا) ممنوعیت درج چنین شرطی در قراردادهای تأمین مواد و خدمات اساسی که جهت ادامه حیات - بنگاه‌ها ضروری قلمداد می‌شود، با قانون ورشکستگی سال ۱۹۸۶^۲ وارد حقوق انگلیس شد.^۳ بر اساس رایزنی سال ۲۰۱۶ گستره این ممنوعیت افزایش یافته است و شامل تمام قراردادهایی می‌شود که با فسخ آن شرکت توان بازیابی را از دست می‌دهد. در این شرایط شرکت نیز باید تعهدات قراردادی متقابل را ایفاء کند.^۴ متعاقباً بخش ۱۴ «سیگا» نیز درج شرط را در کلیه - قراردادهای تأمین، غیرقانونی اعلام کرده و تأمین‌کنندگان مواد و خدمات (به‌استثنای - تأمین‌کنندگان کوچک) را ملزم به ادامه تأمین طبق تعهدات قراردادی کرد. این ممنوعیت که با هدف پیشگیری از ورشکستگی و حمایت از تجارت در دوران پاندمی کووید گسترش یافته، به - این مفهوم است که تأمین‌کنندگان کالا و خدمات نمی‌توانند در قراردادهای خود شرط کنند چنانچه شرکت با مشکلات مالی مواجه شد، از انجام دادن تعهدات قراردادی معاف هستند و قرارداد منفسخ می‌شود یا حق فسخ آن را دارند. البته، شرط بطلان و ممنوعیت شروط فسخ این است که «استمهال» اجرا شود یا «اداره فعالیت» بنگاه تصویب شود یا مدیر ورشکستگی منصوب شود یا شرکت مشمول مقررات ورشکستگی شود یا «طرح تجدید ساختار» آن تصویب شود.^۵

با توضیح رسیدگی‌های قضایی موجود در دو کشور ملاحظه می‌شود که کشور انگلیس آیین‌هایی متناسب‌تر با شدت توقف بنگاه و همچنین هماهنگ با شرایط روز جهانی پیش‌بینی و تدوین کرده است.

۳. بنگاه اقتصادی احیاناً پذیر

نهایتاً زمانی که بنگاه‌ها دارای توقف درجه اول یا بحرانی باشند و هیچ‌یک از روش‌های احیا و نجات برای آن‌ها موفقیت‌آمیز نباشد، تنها آیین پیشنهادی در هر دو نظام حقوقی، «تصفیه و انحلال» است که ذیلاً بیان می‌شود:

1. Termination Clause, (Ipso Facto).
 2. Insolvency Act (1986), (IA), Part 233B.
 3. Shalchi Ali, Op...cit, PP. 24-25.
 4. Pratt's, Ibid.
 5. Shalchi Ali, Ibid.

۳.۱. حقوق انگلستان

همان‌گونه که در قسمت پیشینه بیان شد، قوانین سال‌های ۱۵۴۲ و ۱۷۰۵ مقرراتی در خصوص تصفیه مقرر کردند. اما با قانون ورشکستگی سال ۱۹۸۶ اصلاحاتی در این زمینه صورت گرفت. بر اساس این قانون «ناتوانی در پرداخت دیون»^۱ به‌مثابه یکی از موجبات «انحلال - اجباری»^۲ محسوب می‌شود. البته در کشورهای انگلو-آمریکن هر شخص اعم از تاجر و غیرتاجر می‌تواند به‌صورت اختیاری^۳ درخواست انحلال و تصفیه کند و تحت حاکمیت مقررات ورشکستگی قرار بگیرد.^۴ بر اساس قانون ورشکستگی سال ۱۹۸۶^۵ مدیر تصفیه پس از انتخاب، اداره امور را در اختیار خواهد گرفت. چنانچه طرحی تصویب شود، اما در مدت مقرر اهداف طرح محقق نشود و امکان دستیابی به آن نیز وجود نداشته باشد یا شرکت در وضعیت توقف بحرانی باشد و اصلاً طرحی ارائه نشود، به تقاضای مدیر تصفیه وارد مرحله تصفیه می‌شود و این حالت تصفیه که در تناسب با شدت توقف صورت می‌پذیرد، در اینجا مد نظر است. آیین - تصفیه در انگلیس (برخلاف تفاوت‌های ماهوی که با حقوق آمریکا دارد) بسیار شبیه فصل هفتم قانون ورشکستگی ایالات‌متحده است. مدیر تصفیه^۶ در اینجا اختیار را به دست می‌گیرد و پس از فروش اموال وجوه حاصل را تقسیم می‌کند.

البته در دوران پاندمی کووید ۱۹ بر اساس «سیگا» و به‌منظور پیشگیری از ورشکستگی - فراگیر طرح دعوی تصفیه و انحلال از سوی بستانکاران ممنوع شد. این ممنوعیت کلی است و صرف نظر از تأثیری که بر موفقیت یا شکست شرکت‌ها می‌گذارد و بدون توجه به شدت توقف آن‌ها اعمال می‌شود. تنها در صورتی دعوی تصفیه پذیرفته می‌شود که اولاً، طلبکار بتواند ثابت کند کووید تأثیری بر وضعیت مالی بدهکار نداشته و ثانیاً، حتی اگر پاندمی رخ نمی‌داد، شرکت بدهی‌هایش را پرداخت نمی‌کرد. البته، چگونگی اثبات این دو امر در سایه‌ای از ابهام قرار دارد و همچنین مشخص نیست منظور از تأثیر یا بی‌تأثیری کووید بر بدهی چیست.^۷

1. Inability to Pay Debt.

2. Compulsory Winding Up.

3. Voluntary Winding Up.

4. Company Act (1985), Section 518, "Company Law Guide", Edited by M. Renshal & K. Walmsley, Butterworths, (1985), Se 11,12.

5. Section 214.

6. Liquidator.

7. Shearman & Sterling, Op...cit, (2020), PP.2-5.

حمایت قانونی مناسب برای چنین بنگاه‌هایی «پیش‌بسته» یا «فروش بسته‌بندی‌شده» است که طی فروش تمام یا بخش عمده‌ای از دارایی بدهکار پیش از طرح دعوی ورشکستگی به‌طور محرمانه و بدون مشورت با تمام طلبکاران تحت مذاکره قرار می‌گیرد و بلافاصله پس از شروع رسیدگی رسمی اعمال می‌شود.^۱ دادگاه‌های انگلیسی به‌خوبی این شیوه را می‌پذیرند، اما با توجه به شرایط حاکم بر هر موضوع رفتارهای متفاوتی نشان می‌دهند. شفاف‌سازی شرط پذیرش این روند از سوی دادگاه است.^۲

۳.۲. حقوق ایران

بر اساس قوانین ما انحلال برای بنگاه ورشکسته به‌صورت قهری (اجباری) است و نیازمند صدور حکم نیست؛ بلکه به‌محض صدور حکم ورشکستگی واقع می‌شود و باید طبق مقررات راجع به ورشکستگی تصفیه شود.^۳ منظور از انحلال صرفاً نتیجه نهایی آن نیست، بلکه منظور وضعیت حقوقی جدیدی است که بر اثر صدور حکم تا پایان تصفیه مستقر می‌شود و نتیجه آن تصفیه اموال است. البته از آنجا که شرکت تجاری پس از انحلال نیز برای تصفیه و از جمله اتمام اجرای تعهدات باقی‌مانده دارای شخصیت حقوقی و فعال است،^۴ این امکان وجود دارد که پس از انحلال و حین تصفیه دچار ناتوانی شود؛ لذا می‌توان تصور کرد حکم ورشکستگی پس از انحلال نیز صادر و بحران ناشی از توقف، مدیریت شود.^۵

بر این اساس، ماده ۵۰۴ به بعد قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ به تدوین مقررات موجود در این زمینه پرداخته است.

متعاقباً قانون‌گذار با تصویب قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی در تاریخ ۱۳۱۸/۴/۲۴ شیوه تصفیه بنگاه ورشکسته از طریق این اداره را تدوین کرده است.^۶

1. ELI, Op...cit, P. 67.

2. Weil, Ibid.

۳. ماده ۲۰۰ لایحه قانونی سال ۱۳۴۷.

۴. پاسبان، محمدرضا، *حقوق شرکت‌های تجاری*، انتشارات سمت، چاپ ششم، تهران، زمستان ۱۳۹۰، ص ۳۸۴.

۵. کاویانی، کوروش، پیشین، ص ۵۵.

۶. ستوده تهرانی، حسن، *حقوق تجارت*، جلد چهارم، نشر دادگستر، چاپ چهارم، تهران ۱۳۸۰، ص ۲۵۹.

همچنین، لایحه تجارت سال ۱۳۹۱، راهکارهای مشابهی را برای تصفیه بنگاهی ارائه داده است که توقف درجه یک دارد و در شرایط حاد بحرانی به سر می‌برد و احتمال احیا و نجاتش هم نیست.

نهایتاً پس از پایان عملیات تصفیه، بنگاه احیاناً پذیر شخصیت حقوقی خود را از دست می‌دهد و نتیجتاً از صحنه فعالیت تجاری و اقتصادی خارج می‌شود.

نتیجه گیری

با تدقیق در حقوق دو کشور می‌توان دریافت که در کشور انگلستان نه تنها پیشینه - قانون‌گذاری، غنی‌تر از ایران است، با گذشت زمان و تغییر شرایط اقتصادی، قانون‌گذار این کشور به‌خوبی عوامل مؤثر بر بحران‌های مالی را نیز ملحوظ کرده و متناسب با نیازهای موجود، آیین‌های کاربردی را پیش‌بینی و تدوین کرده است. به‌گونه‌ای که می‌توان از بین روش‌های - مختلف، مناسب‌ترین نوع رسیدگی را انتخاب و اجرا کرد و در این مسیر نیز از حمایت‌های قانونی موجود بهره‌مند شد. در همین حال، متأسفانه شاهد بی‌تناسبی مقررات قانونی با شرایط موجود و همچنین با شدت بحران مالی بنگاه‌ها در ایران هستیم و ضرورت تقنین مناسب اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

از مطالب مطروحه در متن این مقاله به دست می‌آید که اولاً؛ با توجه به شدت توقف به‌منزله معیار می‌توان ورشکستگی را به درجات سه‌گانه «پیش از توقف»، «پس از تاریخ توقف» و «احیاناً شدنی» تقسیم کرد و ثانیاً؛ بررسی آیین‌های متنوع بیانگر این امر است که می‌توان مداخله قضایی متناسب با هر درجه از توقف را بازایی و پیشنهاد کرد تا شاهد تأثیر بهینه اقتصادی و اجتماعی باشیم.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتابها

۱. اسکینی، ربیعه، *حقوق تجارت، ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، «سمت»، ۱۳۷۸.
۲. انوری پور، سید محسن، *ورشکستگی در حقوق ایران*، تهران، ۱۳۴۵.
۳. پاسبان، محمدرضا، *حقوق شرکت های تجاری*، انتشارات سمت، چاپ ششم، تهران، زمستان ۱۳۹۰.
۴. ستوده تهرانی، حسن، *حقوق تجارت*، جلد چهارم، نشر دادگستر، چاپ چهارم، تهران ۱۳۸۰.
۵. صقری، محمد، *حقوق بازرگانی و ورشکستگی*، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۶.
۶. کاویانی، کوروش، *حقوق ورشکستگی*، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۳.

ب) منابع خارجی

7. Act of 1705 (4 & 5 Anne, C 4) S.8, The Law of History & Culture P.37. <http://Lawdigital Commons. bc/cgi/viewcontent. Cgi? refer = & httpsredir = 1& article = 1076 amp; Context = iclr, P.18. http:// Scholarship. Law. Upenn. edu /Cgi/viewcontent. Cgi? article = 7675 & Context = Penn – review.>
8. Alan N Rechtschaffen, "Capital Markets, Derivatives & the Law: Evolution after Crisis", Oxford University Press, (2014).
9. Alice Belcher, "Corporate Rescue", Sweet & Maxwell, (1997).
10. Altman J, "A Test Case in International Bankruptcy Protocols: The Lehman Brothers Insolvency", San Diego Int Law J 12: 436-495, (2011).
11. Company Act (1985), Section 518, "Company Law Guide", Edited by M. Renshal & K. Walmsley, Butterworths, (1985).
12. Company Law Review (CLR), "Modern Company Law for a Comparative Economy": Final Report, URN 01/942, July (2002).
13. Corporate Insolvency & Governance Act, "CIGA", (2020).
14. Daoning Zhang, "Insolvency Law & Multinational Groups, Theories, Solution & Recommendation for Business Failure", Routledge Research in Corporate Law.

15. European Law Institute, "*Rescue of Business in Insolvency Law*", (ELI), ISBN: 978-3-9503458-9-6, (2017).
16. Geoff O 'Dea, Julian Long & Alexandra Smyth, "*Scheme of Arrangement*": Law & Practice, Oxford University Press, (2012).
17. Harmanns R, "*Consequences of the German Equitable Life-Decision for the use of English Schemes of Arrangement in Cross-Border Reorganization*", INSOL World 35, Available at: [http:// www.debrauw. Com/wp- content/uploads/2013/09/ INSOL- World-Consequences-of-the-German-Equitable-Life.pdf](http://www.debrauw.Com/wp-content/uploads/2013/09/INSOL-World-Consequences-of-the-German-Equitable-Life.pdf), (2013).
18. Hoffman L, "*Cross-Border Insolvency: A British Perspective*", Fordham Law Rev 64. 2507-2520, (1995-1996).
19. Ian F. Fletcher, "*The Law of Insolvency*", Published by Sweet & Maxwell, 4th Edition, (2009).
20. Individual Voluntary Arrangement FA, "*Fresh start' for Sakaried Consumer Debtor in England & weles*".
21. Insolvency Act 1986.
22. Jan-Jaap Kuipers, "*Scheme of Arrangement & Voluntary Collective Redress*": A Gap in the Brussels I Regulation, (2012) 8 (2) Jurnal of Private International Law.
23. Jay Barney, "*Firm Resources & Sustained Comparative Advantage*", (1991) Jurnal of Management 17.
24. Jenet Dengler, LL.M, "*Debt Restructuring in the UK & Spain*".
25. John C. Reitz, "*How to do Comparative Law*", (1998), 46 AJCL 617-626.
26. Kanaga Dharmanada & Anthony Papamatheos, "*Scheme of Arrangement*", Federation Press, (2011).
27. Kastrinou A, Jacobs L, "*Pre-Insolvency Procedures: A United Kingdom & South African Perspective*", In: Parry R, Omar PJ (eds) Reimagining Rescue, INSOL Europe, Nottingham /Paris, (2016).
28. Kathleen Conner & C.K. Prahalad, "*A Resource - Based Theory of the Firm: Knowledge Versus Opportunism*", (1996), Organization Science 7.
29. Kay A, "*The Harmonization of the Avoidance Rules in European Union Insolvencies*", Int Comp Law Q 66: 79-105, (2017).
30. Key A, "*In Pursuit of the Rationale Behind the Avoidance of Pre-Liquidation Transactions*", Syd'n Law Rev 18: 56, (1996).
31. Levinthal LE, "*The Early History of English Bankruptcy*", Univ Pa Law, Rev 67:1-20, (1919).
32. London Department of Trade and Industry Review, (2005).

33. MC Cormack G, "Something Old, Something New: Recasting the European Insolvency Regulation", *Mod Law Rev* 79: 121-146, (2016).
34. Moustaria Elina, "International Insolvency Law", Springer Nature Switzerland AG, (2019).
35. Moustarina Elina, "The Equity of Creditors in International Bankruptcy Law" [in Greek], Ant, N, Sakkoulas Publishers, Athens/ Komotini, (1992).
36. Nutsa Chkheidze, "Individual Bankruptcy Law in US, UK & Germany, Lessons for Georgia", (CEU), Central European University, 1051 Budapest, Nador Utca 9, Hungary, (April 12, 2019).
37. Payne Jenifer, "Cross-Border Schemes of Arrangement & Forum Shopping", (2013), *Rev* 14: 563-589.
38. Payne Jenifer, "Scheme of Arrangement & Rescue": The Lost Cousin of Restructuring Practice, (2009) 24 (7) -*Jurnal of International Banking & Financial Law*.
39. Pane Jenifer, "Scheme of Arrangement, Theory & Operation", Cambridge University Press, (2014).
40. Petter Dahlim et al, "Netquakes-Describing Effects of Ending Business Relationship on Business Networks", (2005), Working Paper to be Presented at IMP in Rotterdam.
41. Pilkington Christian, "Scheme of Arrangement in Corporate Restructuring", Sweet & Maxwell, (2013).
42. Pratt's, *Jurnal of Bankruptcy Law*, LexisNexis, A. S. Pratt, (February/ March 2017).
43. Rajak H, "The Culture of Bankruptcy", In: Omar P(ed) *International Insolvency Law. Themes & Perspective*, Routledge, London & New York, (2008).
44. Rensen S, "Corporate Restructuring & Corporate Dissolution of Companies in Financial Distress: Ensuring Creditor Protection. A Comparison of the US, UK & Dutch Models", *Insolve Rev* 26: 204-228 (2017).
45. Shalchi Ali, "Corporate Insolvency & Governance Act (2020)", House of Commons Library, Number 8971, [CommonsLibrary. Parliament. UK.].
46. Shearman & Sterling, "UK Corporate Insolvency & Governance Act", 9 July (2020).
47. Sousa MD, "Bankruptcy Stigma: A Sosio-Legal Study", *Am Bankruptcy Law J* 87: 435-482, (2013).

48. The Bankruptcy Act, 1571, (13 Elize, 1, C. 7).
49. The Fraudulent Conveyances Act, 1571, (13 Elize, 1, V. 5).
50. Vogenauer Stefan, "Sources of Law & Legal Method in Comparative Law", in Mathias Reimann & Reinhard Zimmermann (eds), The Oxford Handbook of Comparative Law, (OUP 2006).
51. Warren E, "Bankruptcy Policymaking in Imperfect World", Mich Law Rev 92: 336-387, (1993).
52. Yazid Fahad Almasoud, "Scheme of Arrangement & Restructuring of Companies", (2019).
53. weil, Gotshal Manges, "Comparative Guide to Restructuring Procedures".
54. Wheeler David, Barry Colbert & R. Edward Freeman, "Focusing on Value: Reconciling Corporate Social Responsibility, Sustain Ability & a Stakeholder Approach in Network World", (2003), Jurnal of General Management 28 (3).